

## بررسی فقهی - حقوقی مالکیت فکری

### با رویکردی به نظر امام خمینی (س)

فخرالدین اصغری آقمشهدی<sup>۱</sup>

شهرام اصغری<sup>۲</sup>

**چکیده:** فقیهان در مورد مشروعیت حقوق مالکیت فکری اختلاف نظر دارند. به نظر برخی فقیهان این گونه حقوق به دلایلی چون ناسازگاری آن با قاعده سلطه، عدم امضای چنین حقوقی از سوی شارع، ناسازگاری آن با رسالت و قداست علم و غیر قابل تملک شخصی بودن این دسته از حقوق، حقوقی شرعی محسوب نشده و اشخاص ثالث می‌توانند بدون اجازه صاحبان اثر در آن تصرف کنند. به نظر برخی دیگر، چنین حقوقی شرعیت داشته و تصرف در آنها بدون اجازه صاحبان آنها جایز نیست. ادله این گروه عبارتند از: بنای عقلا، قاعده سلطه، حرمت تصرف در اموال دیگران بدون اجازه آنها، قاعده لاضرر، راهکار ولایت فقیه، مصالح مرسله و سد ذرایع که دو دلیل اخیر اختصاص به فقه اهل سنت دارد.

**کلیدواژه‌ها:** حقوق مالکیت فکری، بنای عقلا، قاعده لاضرر، مصالح مرسله، قاعده سلطه

### مقدمه

در گذشته پدیده‌های فکری، بیشتر موضوع حق معنوی بوده و عرف جامعه به ویژه جامعه دینداران آن را به منزله ابزار کسب و تأمین معیشت لحاظ نمی‌کرد، بلکه امر تألیف و تحقیق و خلق آثار علمی و ادبی بیشتر دست مایه مظاهر و جلوه‌های اخلاقی و معنوی بوده است. اما رفته رفته در کنار حق معنوی، چهره دیگری آشکار شد که به موجب آن صاحب اثر دارای یک حق مالی بر اثر

۱. e-mail: fasgharia@yahoo.com

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

۲. e-mail: shahram.asghari@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۲۴ مورد تأیید قرار گرفت.

مخلوق خود شد. بدین ترتیب وقتی از حقوق پدیدآورندگان آثار فکری سخن گفته می‌شود، در واقع، هر دو چهره حق، مد نظر است: حق معنوی و حق مادی یا مالی. در مورد این دسته از حقوق تعابیر مختلفی چون مالکیت معنوی، حقوق فکری، حقوق آفرینش‌های فکری و حقوق مالکیت فکری به کار رفته است که نگارنده واژه اخیر را به دو دلیل بیشتر می‌پسندد: اولاً، ریشه و منشأ اکثر مصادیق این دسته از حقوق، فکر و اندیشه انسان است و تنها برخی مصادیق آن مانند علائم و اسامی تجاری خلاقیت فکری محسوب نمی‌شوند. ثانیاً، این واژه در عنوان ارگان سازمان ملل متحد یعنی، سازمان جهانی مالکیت فکری<sup>۱</sup> به کار رفته و از یک مقبولیت بین‌المللی برخوردار شده است. حقوق مالکیت فکری عبارت است از حق استفاده انحصاری انسان از آفریده‌های فکری خود در زمینه‌های صنعتی، علمی، ادبی و هنری که دارای ارزش مادی و معنوی هستند. این حقوق از لحاظ جدید بودن فاقد پیشینه فقهی‌اند. از این رو، فقیهان معاصر این بحث را به عنوان مسائل مستحدثه یا در پاسخ به استفتائات به عمل آمده از آنان مطرح کرده‌اند. شرعی بودن این دسته از حقوق مورد اختلاف نظر است. برخی فقیهان مخالف شرعی بودن این دسته از حقوق هستند و، در مقابل، برخی دیگر آن را حقی شرعی تلقی کرده و تجاوز به آن را مجاز نمی‌دانند. در ذیل ابتدا به بررسی نظر مخالفان و سپس به بررسی نظر موافقان می‌پردازیم.

### نظر مخالفان مشروعیت حقوق مالکیت فکری

دلایلی که مخالفان مشروعیت حقوق مالکیت فکری برای اثبات نظر خود به آنها تمسک جسته‌اند، عبارتند از: ناسازگاری مالکیت معنوی با قاعده سلطه، عدم امضای چنین حقوقی از سوی شارع، ناسازگاری حقوق مالکیت فکری با رسالت و قداست علم و غیر قابل تملک شخصی بودن این دسته از حقوق. در ذیل به بررسی این دلایل می‌پردازیم.

### ۱) ناسازگاری حقوق مالکیت فکری با قاعده سلطه

امام خمینی پیدایش هرگونه حق انحصاری در استفاده آثار فکری را برای پدیدآورندگان آن مخالف قاعده سلطه می‌داند. ایشان در این باره می‌نویسد: آنچه نزد بعضی حق طبع نامیده می‌شود، حق شرعی نیست و سلب تسلط مردم بر اموالشان بدون هیچ‌گونه عقد و شرطی جایز نیست.

1. World Intellectual Property Organization (WIPO)

بنابراین، مجرد چاپ کتاب و نوشتن عبارت «حق طبع و تقلید برای صاحب آن محفوظ است، چیزی را موجب نمی‌شود و توافق با غیر شمرده نمی‌شود، پس برای غیر او چاپ و تقلید جایز است و بر هیچ کس جایز نیست که او را از آن منع نماید (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ۹۹۳-۹۹۱).<sup>۱</sup> در توجیه این بیان، گفته شده است:

عقلا بر این امر اتفاق نظر ندارند که به مجرد چاپ کتاب برای صاحب چاپخانه حقی ایجاد می‌گردد، همچنین توافق عقلا بر منع مردم از تقلید قطعیت پیدا نکرده است چرا که طبیعت مردم بر تقلید در همه امور و اعمال و اختراعات و حرفه‌ها استوار است و عقلا تقلید در یکی از امور صنعتی و ساختن شیخ از روی نمونه‌ای دیگر و بهره گرفتن از نتیجه فکر گذشتگان را عرفاً تصرفی در حقوق دیگران که مشروط به اجازه صاحبان این صنایع و اعمال و افکار باشد، نمی‌دانند و چاپ کتاب نیز از جریان این سیره عقلا خارج نیست (مطهری ۱۴۰۵: ۱۸۶).

شایان ذکر است که امام خمینی در برخی استفتائاتی که از ایشان به عمل آمده است، بدون ذکر مبنای حکم صرفاً به بیان حکم اکتفا کرده‌اند. در سال ۱۳۵۸ استفتائی به شرح ذیل از امام خمینی صورت گرفت: حضور محترم نائب الامام آیت الله العظمی خمینی السلام علیکم ورحمة الله اما بعد، در پس قیام الهی مردم و لزوم تغییر روابط طاغوتی به روابط اسلامی و گسترش فرهنگ اسلامی معروض می‌دارد عده‌ای با انحصار قرار دادن کتب اسلامی به خود قیمتی بسیار گزاف بر آن می‌نهند. مثلاً کتاب ۱۶ تومانی را ۷۰ تومان می‌فروشند و چنانچه کسی اقدام به نشر بنماید مورد تعقیب قانونی قرار می‌گیرد. آیا در اسلام حق چاپ و نشر بدون اجازه ناشر یا مترجم یا مؤلف می‌شود یا انحصاری است به مترجم و ناشر اول. ایشان در جواب فرمودند: «چنین حقی در شریعت مقدسه ثابت نیست.» در پی این استفتاء بود که حاکم شرع وقت آیت الله خلخالی نوشت: چون به فتوای امام خمینی حق طبع و نشر نمی‌تواند به کسی مربوط باشد، لذا هر کس هر کتابی را می‌تواند

۱. «الثالث: ما یسمی عند بعض بحق الطبع لیس حقاً شرعياً، فلا یجوز سلب تسلط الناس علی اموالهم بلا تعاقد و تشارط، فمجرد طبع کتاب و الاستجیل فیه: بأن حق الطبع و التقليد محفوظه لصاحبه لا یوجب شیئاً، و لا یعد قراراً مع غیره فجاز لغيره الطبع و التقليد، و لا یجوز لاحد منعه عن ذلك. الرابع: ما تعارف من ثبت صنعة لمخترعها و منع غیره عن التقليد و التکثیر، لا اثر له شرعاً، و لا یجوز منع الغير عن تقليدها و التجارة بها، و لیس لاحد سلب سلطنة غیره عن امواله و نفسه» (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ۹۹۳-۹۹۱).

طبع کرده در اختیار مردم بگذارد و هیچ کس نمی‌تواند جلوگیری نماید چون حق طبع و نشر در اسلام محفوظ نیست لذا جلوگیری از آن جرم است (یزدانی ۱۳۸۱، پاورقی شماره ۹). در سال ۱۳۶۱ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت استفتائاتی را از امام خمینی درباره حق مؤلف به عمل آورد که متن استفتائات و پاسخ‌ها به شرح ذیل است:

محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی

با سلام، برای برادران دست اندرکار امر کتاب در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پاره‌ای سؤالات و ابهامات وجود دارد که به صورت استفتاء از محضر مبارک مطرح نموده است و به پیوست تقدیم می‌گردد موجب امتنان خواهد بود که نظر مبارک به پاسخ این سؤالات تعلق گیرد.

۱- چاپ و نشر کتب قدیم و مشهور اسلامی که تعیین ورثه مؤلفین آنها میسر نیست و حکم مجهول المالک را دارد چه خواهد بود؟ پاسخ: طبع و نشر کتب مزبوره موقوف بر اذن کسی نیست.

۲- اگر ناشر کتابی را با انجام حروف چینی، ویراستاری و صفحه‌پردازی، چاپ و منتشر سازد، آیا افراد یا مؤسسات دیگری می‌توانند بدون اذن ناشر اولیه نسبت به عکس برداری و چاپ مجدد کتاب مزبور اقدام نمایند؟ پاسخ: احترام دیگران به طبع و نشر همان کتاب موقوف به اجازه ناشر اولی نیست.

۳- آیا برای ترجمه کتاب اذن مؤلف شرط است یا خیر؟ و اگر اذن مؤلف لازم باشد در صورت ترجمه بدون اذن، تکلیف ناشر چیست و خرید و فروش چنین کتابی چه ضرورتی دارد؟ پاسخ: اذن مؤلف شرط نیست و خرید و فروش آن اشکالی ندارد.

۴- آیا ناشر می‌تواند بدون اذن مؤلف، مترجم، مصنف و یا مصحح اثر و یا ورثه او نسبت به طبع آن اقدام نماید؟ پاسخ: گذشت که اذن ناشر شرط نیست.

۵- آیا اقتباس مطلبی از یک نوشته بدون ذکر منبع در نوشته یا کتابی دیگر جایز است یا خیر؟ پاسخ: ذکر منبع لازم نیست ولی نباید به صورتی باشد که مستلزم کذب در اسناد شود (محمد بیگی ۱۳۷۹: ۱۳۱-۱۲۹).

در نقد دلیل مذکور در فوق می‌توان گفت که اولاً، دلیل مزبور اخص از مدعا است. مدعا این است که اثر فکری پدید آمده توسط پدیدآورنده را نمی‌توان بدون اجازه او تکثیر کرد و در این

مورد فرقی بین مرحله قبل از تکثیر و بعد از آن وجود ندارد ولی استدلال مذکور در فوق فقط شامل مرحله بعد از تکثیر اثر است، یعنی بعد از چاپ کتاب، اگر کسی از طریق خریدن آن یا به طرق دیگر مالک آن شود به استناد قاعده سلطه می‌تواند آن را تکثیر کند. نتیجه این خواهد بود که اگر کتابی هنوز منتشر نشده باشد، هیچ کس نمی‌تواند بدون اینکه مالک آن شده باشد آن را منتشر سازد مگر اینکه از پدیدآورنده اجازه بگیرد. ثانیاً، چنانکه در بررسی دلایل موافقان خواهد آمد حقوق فکری نزد عرف مال محسوب می‌شود و در نتیجه، قاعده سلطه نسبت به آن اعمال خواهد شد. با اعمال قاعده سلطه نسبت به آن و ایجاد حق انحصاری برای او دیگر نوبت به اعمال قاعده سلطه نسبت به گیرنده اثر فکری نخواهد رسید.

## ۲) عدم امضای حقوق مالکیت فکری از سوی شارع

برخی از فقیهان با این استدلال که حقوق مالکیت فکری از طرف شارع امضا و اعتبار نشده است، مخالف شرعی بودن چنین حقوقی هستند. آیت الله صافی گلپایگانی در این باره می‌نویسد: حق طبع، حق تألیف و حق اختراع را به مفهومی که در قوانین موضوعه جدید از آن تعریف شده و آثاری که بر آن مترتب می‌نمایند، حقیر نتوانسته‌ام با احکام و نظامات اسلامی تطبیق نمایم. از عقود و معاملات هم نیست که بتوانیم بگوییم هر چند در عصر شارع مقدس عنوان نمی‌شده است، مولی به اعتبار اینکه عقد و معامله است، با ملاحظه شرایطی که در صحت عقد و معامله معتبر است، مشمول اطلاعات یا عموم بعضی ادله مثل «اوفوا بالعقود» است. اگر گفته شود این هم حقی است که عرف زمان ما آن را اعتبار می‌کند، نظیر «حق التحجیر» و «حق السبق» که چون شارع از آن ردع نکرده از عدم ردع او استکشاف امضا می‌نماییم و معتبر است. جواب این است که عدم ردع نسبت به حقوقی که در عصور متأخره از عصر شارع مقدس و ائمه طاهرین - علیهم السلام - عرفاً یا بر حسب قوانین موضوعه مستحدث می‌شود، نمی‌شود به اطلاق یا عموم آن تمسک نمود. بله، در ارتباط با اقتباس از اختراع یا تألیف یا تجدید طبع کتاب یا تقلید از آثار هنری مشروعه، اگر متوقف بر تصرف در مال غیر باشد، بدون اذن صاحب مال جایز نیست، اما بر حرمت نفس اقتباس دلیلی وجود ندارد. ... با اینکه در زمان شارع هم تألیف و اختراع و ابتکار بوده است، اما برای مؤلف و مبتکر و مخترع و محقق حقی اعتبار نمی‌شده و شارع هم اعتبار نفرموده است و به عبارت دیگر، بنابر عدم اعتبار بوده ولو به این معنا که چون مورد التفات و توجه نبوده است، آثار مترتب بر

آن مشروعیت نداشته، شارع هم با عدم تشریح این حق روش عرف را امضا فرموده است.... بناء علی کل ما ذکر، مشروعیت حقوق مذکوره را ثابت نمی‌دانیم و هر چند ترتب برخی از آثاری که بر این حقوق مترتب می‌گردد به طور شرط ضمن عقد امکان‌پذیر است. اما مقاصد مهمی را که ارباب دعوی این حقوق دارند با شرط نمی‌توان تأمین کرد (به نقل از: فصلنامه رهنمون ۱۳۷۱: ۲۰۹-۲۰۷). در نقد نظر مذکور در فوق می‌توان گفت که اولاً، گرچه در زمان شارع اختراع و ابتکار وجود داشت و در عین حال حقوق مالکیت فکری مطرح نبود، مانعی برای به رسمیت شناختن این حقوق در زمان ما محسوب نمی‌شود. در قدیم آثار فکری و فرهنگی، نشر و گستره محدودی داشت و پدیدآوردگان، توقع بهره‌برداری مادی از آثار خود نداشتند. از این رو، حمایت قانونی از این گونه آثار چندان ضروری نمی‌نمود ولی در جهان امروز وضع به کلی دگرگون شده است. گسترش آفریده‌های فکری و نقش حساس آنها در توسعه فرهنگ و تمدن و اقتصاد بشری موجب شده است که قانونگذاران نسبت به حقوق معنوی صاحبان آثار فکری و تولیدات سمعی و بصری، بی‌تفاوت نباشند. وانگهی مستحدث بودن بعضی حقوق، نافی مشروعیت آنها نیست. حفظ محیط زیست امروزه از حقوق مسلمّ آحاد جامعه شمرده می‌شود و دولت‌ها برای کسانی که محیط زیست را آلوده می‌کنند، جریمه و کیفر تعیین می‌کنند. نمی‌توان گفت چون در زمان شارع چنین حقی مطرح نبوده است، امروزه نیز مشروعیت ندارد. در اعصار قبل زندگی‌ها بسیط بود. شهرها نسبت به زمان ما بسیار کم جمعیت‌تر بود. از کارخانجات آلاینده محیط هیچ خبری نبود. نمی‌توان این دوره را با اعصار قبل مقایسه کرد و به دلیل مطرح نبودن مسأله حفظ محیط زیست در آن اعصار، از آن سلب مشروعیت کرد (یزدانی ۱۳۸۱: ۵۴-۳۷). ثانیاً، چنانکه برخی فقیهان گفته‌اند بناهایی که عقلاً با توجه به فطرت و خمیره ذات خویش دارند، نظیر بنای عقلاً بر حق امتیاز تلفن، سرقتی و حق التألیف و ... به امضا و احراز تا زمان معصوم نیاز ندارد (وحید خراسانی به نقل از: یوسف وند ۱۳۸۵: ۱۱۸).

### ۳) ناسازگاری حقوق مالکیت فکری با رسالت و قداست علم

در میان دانشمندان اهل سنت بعضی (شیری ۱۴۱۹: ۵۶) با این استدلال که مالکیت معنوی با رسالت و قداست علم از نظر اسلام ناسازگار است، با آن مخالفت کرده‌اند. از نظر این افراد، معتبر دانستن این حق سبب حصر و حبس آثار علمی و کتمان علم می‌گردد که مورد نهی قرآن کریم قرار گرفته است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا آتَوْا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا

بَيِّنَاتٌ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» (بقره: ۱۵۹). پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده‌اند: «هر کس دانشی را بداند و آن را کتمان کند، روز قیامت با افساری از آتش آورده می‌شود» (احمد بن حنبل بی تا: ۴۹۹).

در نقد نظر مذکور در فوق می‌توان گفت گرچه اسلام برای علم و عالم ارزش و منزلت خاصی قائل است ولی اینکه از نظر اسلام، پول گرفتن و کسب درآمد با هر امر مقدسی حرام و غیر جایز است، اول کلام است. گذشته از این کتمان علم با کسب درآمد از طریق کارهای علمی، دو چیز کاملاً متفاوت است (حلیمی ۱۳۸۴: ۷۷). در واقع، آنچه مورد نهی آیه شریفه و روایت پیامبر (ص) قرار گرفته است، کتمان علم است نه کسب درآمد از طریق فعالیت‌های علمی. به عبارت دیگر، «نهی از کتمان علم مستلزم آن نیست که صاحبان آثار علمی از حقوق مادی خود صرف نظر کنند یا مردم ملزم به رعایت حقوق آنان نباشند. چنان‌که نهی از احتکار به معنای عرضه رایگان متاع احتکار شده نیست» (یزدانی ۱۳۸۱: ۵۴-۳۷). از طرفی، همان قرآنی که از کتمان علم نهی کرده است می‌فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (بقره: ۱۸۸) یعنی، اموال خود را به ناحق نخورید. نیز می‌فرماید «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» (اعراف: ۸۵) یعنی حقوق مردم را ضایع نکنید (یزدانی ۱۳۸۱: ۵۴-۳۷). استفاده از آثار فکری بدون اجازه پدیدآورندگان آن مصداق اکل مال به باطل و تضييع حقوق مردم خواهد بود.

#### ۴) غیر قابل تملک شخصی بودن حقوق مالکیت فکری

بعضی اندیشمندان حقوق مالکیت فکری را مانند انفال جزو ثروت‌های عمومی دانسته که قابل تملک شخصی نیست. شهید مطهری می‌نویسد:

انسان در قوای جسمی و روحی خود مدیون اجتماع است و آن قوا و نیروها تنها مال خود او نیست. اجتماع در آنها ذی حق است ... ماشین مظهر ترقی اجتماع است و محصولات ماشین را نمی‌توان محصول غیرمستقیم سرمایه‌دار دانست، بلکه محصول شعور و نبوغ مخترع است و آثار شعور و نبوغ نمی‌تواند مالک شخصی داشته باشد، پس ماشین‌های تولید شده نمی‌تواند به اشخاص تعلق داشته باشد. اینها نقض مالکیت فردی نیست، الغای مالکیت خصوصی نیست. در این موارد مالکیت، اشتراکی و اجتماعی است همان

طوری که در اسلام انفال از ثروت‌های عمومی شمرده می‌شود (مطهری

۱۳۶۸: ۵۹-۵۸).

در نقد نظر مذکور در فوق، می‌توان گفت که اولاً، این ادعا که آثار شعور و نبوغ نمی‌تواند مالک شخصی داشته باشد ادعایی بدون دلیل است. ثانیاً، گرچه جامعه در شکوفا شدن خلاقیت های فکری نقش به سزایی دارد و افراد با استفاده از امکانات جامعه به خلق آثار فکری می‌پردازند این امر دلیل نمی‌شود که شخص مالک آثار فکری خود نشود. البته، برای رعایت حق جامعه، می‌توان حق استفاده انحصاری پدیدآورنده اثر را به مدت زمان خاصی محدود کرد که بعد از انقضای آن مدت، استفاده برای عموم آزاد گردد.

## ۲) نظر موافقان مشروعیت حقوق مالکیت فکری

بسیاری از فقیهان معاصر موافق مشروعیت حقوق مالکیت فکری هستند. برخی از آنها صرفاً به ایجاد حق انحصاری برای پدیدآورنده اثر اشاره کرده ولی مبنای حکم را مورد اشاره قرار نداده اند.<sup>۱</sup> در مقابل، برخی دیگر به مبنای حکم نیز اشاره کرده‌اند. دلایل مشروعیت این دسته از حقوق عبارتند از: بنای عقلا، قاعده سلطه، حرمت تصرف در اموال دیگران بدون اجازه آنها، قاعده لاضرر، راهکار ولایت فقیه، مصالح مرسله و سدّ ذرایع. در ذیل به بررسی آنها می‌پردازیم:

### ۱) بنای عقلا

یکی از ادله‌ای که برای مشروعیت حقوق مالکیت فکری ذکر شده است، بنای عقلا است. برخی فقیهان با استناد به بنای عقلا، حقوق مالکیت فکری را حق شرعی می‌دانند. آیت الله فاضل لنکرانی در این باره می‌نویسد:

گرچه حضرت امام خمینی اعتبار شرعی این حقوق را نفی نموده‌اند، لکن به نظر قاصر می‌رسد که حقوقی را که از نظر عقلا حق شناخته می‌شود و آثاری بر آن مترتب می‌کنند، تا دلیل شرعی بر نفی حق بودن آنها قائم نشده

۱. متن استفتا و پاسخ آیت الله خامنه‌ای به شرح ذیل است. س ۱۳۳۷: آیا جایز است مؤلفان و مترجمان و صاحبان آثار هنری مبلغی را در برابر زحماتشان و یا به عنوان حق تألیف در مقابل تلاش و وقت و مالی که برای انجام آن کار صرف کرده‌اند، تقاضا نمایند؟ ج: آنان حق دارند در برابر واگذاری نسخه اول یا اصلی اثر علمی و هنری خود به ناشر، از وی هر مبلغی می‌خواهند، دریافت نمایند (خامنه‌ای ... http).

نمی‌توان آنها را نفی کرد و از ترتب آثار آنها جلوگیری نمود و ادله‌ای مانند الناس مسلطون علی اموالهم، نمی‌تواند نافی حق بودن آنها باشد. همان‌طور که در باب ملکیت لازم نیست دلیل بر ثبوت آن قائم شود بلکه مجرد عدم قیام دلیل بر عدم ملکیت کافی است برای ثبوت شرعی همانند عقلا (به نقل از: فصلنامه رهنمون ۱۳۷۱: ۲۱۰).

ایشان در پاسخ به سؤال مبنی بر اینکه قراء معروفی سوره یا آیاتی از قرآن را با صوت زیبا می‌خوانند و آن را بر روی نوار کاست یا ویدئو ضبط می‌کنند. آیا قاری می‌تواند امتیاز آن را خرید و فروش کند یا خیر؟ می‌نویسد: «می‌تواند (چنین کند). زیرا که اینها حقوق عقلائیّه می‌باشند و شارع ردعی از آنها ندارد» (فاضل لنگرانی بی‌تا ج: ۱: ۳۷۷). نامبرده در پاسخ به سؤال دیگر نیز می‌نویسد: «حق چاپ از حقوق ثابت عقلائیّه است و منحصر به مؤلف یا ناشر می‌باشد لذا تکثیر آن بدون اجازه آنها جایز نیست» (فاضل لنگرانی بی‌تا ج: ۲: ۴۲۳). آیت الله موسوی بجنوردی نیز می‌نویسند:

در مورد حقوق فکری و معنوی نیز سیره عقلا بر این است که برای آنها ارزش و اعتبار قایل شده‌اند. امروزه در تمام جوامع عقلائی و نظام‌های حقوقی دنیا این مسأله جزء حقوقی است که برای آن ارزش قایل هستند و مختص به ذی حق است به طوری که کسی غیر او حق استفاده از آن را ندارد و اگر کسی از این حق بدون اجازه وی استفاده کند هم از نظر عرف، عمل خلاف و ناپسند انجام داده و هم از لحاظ جزایی قابل تعقیب است (فصلنامه رهنمون ۱۳۷۱: ۲۱۱).

آیت الله منتظری نیز در پاسخ به سؤال درباره آثار فکری تصرف در آنها را به دلیل مالیت عرفی منوط به اذن پدیدآورنده آن می‌داند. متن سؤال و پاسخ ایشان به شرح ذیل است.

سؤال: سی‌دی‌هایی تنظیم و رایج شده که حاوی نرم افزارهای علمی و کاربردی در رشته‌های مختلف علوم و از جمله رشته‌های عقاید، فقه، تفسیر و حدیث می‌باشد و برای استفاده از آنها قفل‌هایی به وسیله تنظیم‌کنندگان آنها به کار برده شده و بدون آن معمولاً استفاده از آن سی‌دی‌ها مشکل یا غیر ممکن است. ولی بعضی‌ها با ترفندهای خاصی بدون اجازه و رضایت مؤسسه تنظیم‌کننده آنها قفل مزبور را از بین می‌برند و آنها را تکثیر

۱. قابل دسترسی به صورت آنلاین در: (<http://www.lankarani.com/far/bok/view.php?ntx>).

می‌نمایند، آیا این عمل شرعاً جایز است؟ پاسخ: سایت و سی‌دی‌های ذکر شده و نرم‌افزارهای آنها نظیر حق اختراع و حق چاپ مالیت عرفی دارند و هرگونه اخلال در سایت و یا استفاده از سی‌دی‌ها با شکستن قفل آنها بدون اجازه مؤسسه تنظیم‌کننده شرعاً حرام و موجب تضییع حقوق دیگران و ضمانت‌آور است (منتظری ۱۳۸۴: ۵۷۹ - ۵۷۸).

شایان ذکر است که برخی فقیهان از جمله آیت‌الله حائری به دلیل عدم اتصال بنای عقلا مبنی بر مالیت حقوق فکری به زمان شارع آن را حجت نمی‌دانند (حائری ۱۳۷۹: ۱۰۰). در واقع امام خمینی را باید از آن دسته از فقیهان (امام خمینی ۱۳۷۶: ۶۴) قرار داد که حجیت سیره را در تمامی موارد منوط به اتصال آن به زمان شارع می‌دانند. اما چنانکه برخی دیگر گفته‌اند حجیت سیره ذاتی بوده و به امضای شارع و اتصال به زمان او نیاز ندارد (طباطبایی یزدی ۱۴۲۳ ج ۲: ۲۰۶).

## ۲) قاعده سلطه

استناد به قاعده سلطه در صورتی صحیح است که بر حقوق، مال صدق کند. برخی فقیهان اطلاق مال را تنها بر اعیان صحیح دانسته و آن را شامل حق نمی‌دانند (انصاری ۱۳۷۵: ۸۰-۷۹). اما چنانکه امام خمینی نوشته‌اند برخی حقوق قطعاً جزو اموال محسوب می‌شوند زیرا، در مقابل آنها بها و ثمن پرداخت می‌شود و در صدق مالیت چیز دیگری معتبر نیست (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱: ۵۵). با توجه به اینکه حقوق فکری مالیت دارد، برخی فقیهان به استناد قاعده سلطه تصرف دیگران در آنها را منوط به اذن صاحب آن می‌دانند. آیت‌الله حسینی روحانی در این باره می‌نویسد:

هرکس چیزی تألیف کند، آن تألیف نتیجه کار فکری و اندیشه وی بوده و بنابراین، مالک و صاحب آن است و حق دارد دیگران را از هرگونه دخل و تصرفی در آن باز دارد زیرا، مردم شرعاً و عرفاً بر اموال خویش مسلط هستند... البته مالکیت او مطلق نیست و دلیلی بر حرمت انتفاع و تصرفات معنوی مانند مطالعه و استناد به آن وجود ندارد. آنچه جایز نیست نسخه‌برداری و تکثیر بدون اجازه مؤلف است که در این صورت می‌تواند مطالبه حق کند... (حسینی روحانی ۱۳۸۵ ج ۲: ۹۷ - ۹۳).

### ۳) حرمت تصرف در مال دی‌گران بدون اجازه آنان

یکی از دلایلی که بر مشروع بودن حقوق مالکیت فکری و عدم جواز تصرف در آن بدون اذن پدیدآورنده اقامه شده است، استناد به روایت «لا یحل دم امرء مسلم و لا ماله الا بطیبة نفس منه» (عاملی بی‌تاج ۱۹: ۱۰) است. آیت الله صانعی در پاسخ به سؤالی در مورد تکثیر آثار دیگران می‌نویسد:

اقدام به تکثیر آثار دیگران که مورد منع آنهاست حرام و غیر جایز است. لا یحل مال امرء مسلم الا بطیبة نفس منه و چگونه امر ارزش‌داری که عرفاً مربوط به دیگران است و مال آنها حساب می‌شود، تصرف در آنها بدون جلب رضایت صاحبان آنها مباح باشد و فرقی بین عین خارجی و یا منفعت و یا اثر نیست چون همه آنها از نظر عرف و عقلا مالی مرتبط به دیگران و امر با ارزشی و مضاف به آنهاست. پس، جواز تصرف به هر شکل منوط به طیب نفس و رضایت صاحبان آنهاست (صانعی ۱۳۸۸ ج ۲: ۴۶).

نامبرده در پاسخ به سؤالی در مورد حق اختراع نیز می‌نویسد: «هر کس نسبت به اختراع و آثار فکری و علمی و تجربی خودش سلطه و حق دارد و تصرف در آنها تصرف در حق غیر است که بدون رضایت و اجازه‌اش حرام و غیر جایز است که لا یحل مال امرء مسلم الا بطیبة نفس منه (صانعی ۱۳۸۸ ج ۲: ۴۶).

آیت الله مکارم شیرازی نیز در مورد حکم مالکیت فکری می‌نویسد: مالکیت فکری همچون مالکیت مادی محترم است و تجاوز به حریم آن جایز نیست و هر کس تجاوز کند و خسارتی به بار آورد ضامن است. زیرا، مالکیت از موضوعات عرفی و عقلایی است و به تعبیر دیگر، از موضوعاتی است که عرف و عقلا آن را تعیین می‌کنند و می‌دانیم در عصر و زمان ما این نوع مالکیت در عرف و عقلا به رسمیت شناخته شده است و از آنجا که موضوع را از عرف می‌گیریم و حکم را از شرع، چنین نتیجه می‌گیریم که اصل کلی «لا یحلّ لاحد ان یتصرف فی مال غیره الا باذنه» شامل آن هم می‌گردد. اضافه بر این گاه می‌شود که برای اختراع یک وسیله صنعتی یا اکتشاف یک دارو، یا تألیف یک دوره کتاب، یا تولید یک سی‌دی، میلیون‌ها خرج می‌کنند و صدها ساعت زحمت می‌کشند، به یقین اگر کسی آن اثر را بردارد و بدون اجازه تولید کننده تکثیر کند، ظلم فاحشی مرتکب شده و ظلم از نظر شرع و عقل حرام است، و اگر کسانی مرتکب

این کار خلاف از طرق غیر قانونی شوند، دلیل بر مباح بودن آن نمی‌شود و ضامن هستند (مکارم شیرازی <http...>).

#### ۴) راهکار ولایت فقیه

برخی فقیهان با استناد به راهکار ولایت فقیه مشروع بودن حقوق مالکیت فکری را پذیرفته‌اند. آیت الله حائری می‌نویسند: هرگاه ولی فقیه مصلحت جامعه را در الزام اجتماع به امثال این حقوق ببیند، از ولایت خود استفاده کرده و این حقوق را تثبیت می‌کند. بنابراین، اگر ولی فقیه به عنوان مثال، چاپ تألیف شخصی را بدون اجازه او بر عموم مردم حرام اعلام کند، مؤلف می‌تواند در مقابل اجازه چاپ نوشته خود، مبلغی را از ناشر بگیرد اگر کتاب او بدون اجازه او چاپ شود، بر ناشر واجب است بر اساس مبنای ولایت فقیه قیمت حق نشر را به مؤلف بپردازد چنان که بر اساس همین مبنا پرداخت مالیات بر مردم واجب می‌گردد (حائری ۱۳۷۹: ۹۹). شایان ذکر است که نامبرده سایر ادله‌ای را که بر مشروع بودن حقوق مالکیت فکری اقامه شده است، نا تمام دانسته و تنها راهکار ولایت فقیه را می‌پذیرد. آیت الله صافی گلپایگانی نیز با اینکه مشروعیت حقوق مالکیت فکری را نپذیرفته است اما برای فقیه جامع الشرایط این حق را قایل است که استفاده از این حقوق را برای مدت معینی محدود نماید. نامبرده در این باره می‌نویسد: راهی که تا حدی می‌توان بعضی اغراض صحیح را که در اعتبار این حقوق در نظر است فراهم سازد، این است که حسب ولایت باید مصالح عامه را در نظر بگیرد به طور موردی نسبت به هر اختراع یا طبع یا تألیف، طبع یا تقلید از آن اختراع یا تألیف را تا مدت معین محدود نماید (فصلنامه رهنمون ۱۳۷۱: ۲۰۹-۲۰۷).

#### ۵) قاعده لا ضرر

شخصی که اقدام به تألیف کتاب، تولید یک فیلم سینمایی یا ابداع یک اختراع می‌کند، ممکن است متحمل هزینه‌های زیادی شود. اگر اشخاص مجاز به تکثیر اثر فکری، اکران فیلم و یا تولید انبوه اختراع باشند، مستلزم ضرر به پدید آورندگان اینگونه آثار خواهد بود که به استناد قاعده لا ضرر باید جلوی این عمل گرفته شود. گرچه در تفسیر قاعده لا ضرر اختلاف نظر وجود دارد ولی قاعده مزبور را چه به معنی نفی حکم ضرری (انصاری بی تا: ۳۷۳؛ ۱۳۷۵: ۳۷۴؛ توحیدی ۱۳۶۸ ج ۳:

(۲۰۴)، نهی از اضرار (اصفهانی بی تا: ۲۵) و یا نفی ضرر غیر متدارک (نراقی ۱۴۰۸: ۱۸) بگیرییم تصرف در چنین حقوقی جایز نبوده و مستلزم اجازه از صاحبان آنها است.

### ۶) مصالح مرسله

یکی از منابع حقوق اسلامی در فقه اهل سنت قاعده مصالح مرسله است. مصالح مرسله یا استصلاح عبارت است از مصلحت اندیشی‌هایی که با تصرفات و مقاصد شرع مقدس هماهنگی دارد، ولی دلیل مشخصی از طرف دین در الغا یا اعتبار آن به دست ما نرسیده است. بنابراین، اگر مجتهد نظیر واقعه مورد نیاز خود را در شریعت بیابد به قیاس، و الا به مصالح مرسله پناه می‌برد (زحیلی ۱۴۱۸ ج ۲: ۷۵۷). در تطبیق قاعده مصالح مرسله بر حقوق مالکیت فکری می‌توان گفت که در حمایت از این حقوق یک مصلحت عمومی مهم وجود دارد که به همه جوامع انسانی برمی‌گردد و آن مصلحت ارزش‌های فکری است که در شئون گوناگون زندگی دارای اثر می‌باشد و از این جهت، از جمله حقوق الهی به شمار می‌آید زیرا، فایده آن عام است و جایگاهش بزرگ و مصلحت مرسله در دین رعایت می‌شود و احکام بر آن بار می‌گردد زیرا، مصلحت مرسله از مبانی عدالت و حق می‌باشد. بنابراین، پدیده‌های فکری ملک هستند (درینی ۱۴۰۱: ۸۴-۸۳).

شایان ذکر است که قاعده مذکور در فوق از نظر فقیهان امامیه (حائری ۱۳۷۹: ۹۸) و برخی مکاتب فقهی اهل سنت به دلیل ظنی بودن حجت نیست. از نظر شافعی استنباط بر مبنای استصلاح مانند استحسان متابعت هوای نفس است (خلاف ۱۹۷۸: ۷۳).

### ۷) سد ذرایع

«سد» به معنای «جلوگیری کردن» و «ذرایع» جمع ذریعه به معنای «وسیله» است. علمای اهل سنت معتقدند هر عملی که سرانجام منجر به مفسده‌ای گردد بایستی از آن جلوگیری کرد. برخی نویسندگان قاعده مزبور را مبنای مشروع بودن حقوق مالکیت فکری قرار دادند (قره‌داغی ۱۴۱۲: ۴۲۶-۴۲۵) گرچه توضیح ندادند که قاعده مزبور چگونه بر مشروعیت این حقوق دلالت دارد. در توجیه آن می‌توان گفت از آنجا که رعایت نکردن حق دارندگان حقوق فکری منجر به حرام شده و مفسده ایجاد می‌کند، باید از آن جلوگیری نمود.

گرچه بحث از قاعده سد ذرایع شبیه بحث مقدمه واجب و حرام در اصول فقه امامیه است، اما چنانکه فقیهان امامیه معتقدند و جوب یا حرمت مقدمه حکمی تبعی است نه نفسی و ثواب یا عقاب مستقلاً بر آن مترتب نمی‌گردد، برخلاف نظر علمای عامه که برای آن حرمت نفسی فائند (یوسف وند ۱۳۸۵: ۸۸).

### نتیجه

مشروعیت حقوق مالکیت فکری مورد اختلاف صاحب نظران فقهی است. برخی فقیهان مخالف مشروعیت چنین حقوقی هستند. دلایل این گروه عبارتند از:

۱) ناسازگاری با قاعده سلطه. در نقد این دلیل می‌توان گفت حقوق فکری نزد عرف مال محسوب می‌شود و در نتیجه، قاعده سلطه نسبت به آن اعمال خواهد شد. با اعمال قاعده سلطه نسبت به آن و ایجاد حق انحصاری برای او دیگر نوبت به اعمال قاعده سلطه نسبت به گیرنده اثر فکری نخواهد رسید.

۲) عدم امضای حقوق فکری از سوی شارع. در این دلیل باید گفت علت اینکه در زمان شارع اختراع و ابتکار وجود داشت و در عین حال حقوق مالکیت فکری مطرح نبود، به این دلیل بوده است که در آن دوره آثار فکری و فرهنگی، نشر و گستره محدودی داشت و پدیدآورندگان، توقع بهره‌برداری مادی از آثار خود را نداشتند. اما امروزه سیره عقلا بر مالیت این حقوق است و با توجه به اینکه حجیت سیره ذاتی است، نیاز به امضای شارع و اتصال آن به زمان ندارد.

۳) غیر قابل تملک شخصی بودن حقوق فکری به دلیل مدیون بودن انسان در قوای جسمی و روحی خود به اجتماع. در ردّ دلیل مزبور می‌توان گفت گرچه جامعه در شکوفا شدن خلاقیت‌های فکری نقش به‌سزایی دارد و افراد با استفاده از امکانات جامعه به خلق آثار فکری می‌پردازند این امر دلیل نمی‌شود که شخص مالک آثار فکری خود نشود. البته، برای رعایت حق جامعه، می‌توان حق استفاده انحصاری پدید آورنده اثر را به مدت زمان خاصی محدود کرد که بعد از انقضای آن مدت، استفاده برای عموم آزاد گردد.

۴) ناسازگاری این حقوق معنوی با رسالت و قداست علم از نظر اسلام. معتبر دانستن این حق سبب حصر و حبس آثار علمی و کتمان علم می‌گردد که مورد نهی قرآن کریم و پیامبر (ص) است. در نقد این نظر باید گفت کتمان علم با کسب درآمد از طریق کارهای علمی، دو چیز کاملاً

متفاوت است. آنچه مورد نهی آیه شریفه و روایت پیامبر<sup>(ص)</sup> قرار گرفته است، کتمان علم است نه کسب درآمد از طریق فعالیت های علمی.

به نظر برخی دیگر از فقیهان حقوق مالکیت فکری دارای مشروعیت بوده و تصرف دیگران در آنها باید با اجازه صاحبان آثار فکری صورت پذیرد. ادله مشروعیت عبارتند از: بنای عقلا، قاعده سلطه، حرمت تصرف در اموال دیگران بدون اجازه آنها، قاعده لاضرر، راهکار ولایت فقیه، مصالح مرسله و سد ذرایع. از آنجا که بیان حکم به عهده شارع بوده و تشخیص موضوع با مردم است و مردم حقوق فکری را مال تلقی می کنند به استناد قاعده سلطه و حرمت تصرف در اموال دیگران بدون اجازه آنها تصرف دیگران در آثار فکری منوط به اجازه پدید آورندگان آنها است. دو دلیل اخیر (مصالح مرسله و سد ذرایع) که اختصاص به فقه اهل سنت دارد، از نظر فقیهان امامیه و برخی اهل سنت حجت نمی باشد.

### منابع

- قرآن کریم
- احمد بن حنبل. (بی تا) *مسئله*، بیروت: دار الفکر، چاپ پنجم.
- اصفهانی، شیخ الشریعه. (بی تا) *مسئله لاضرر*، قم، بی تا.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۱) *البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (چاپ و نشر عروج)، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۶) *الاجتهاد و التقليد*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۹) *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (چاپ و نشر عروج)، چاپ اول.
- انصاری، شیخ مرتضی. (۱۳۷۵ ق.) *مکاسب*، یک جلدی، تبریز: اطلاعات، چاپ دوم.
- \_\_\_\_\_ . (بی تا) *رسائل*، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- توحیدی، محمدعلی. (۱۳۶۸) *مصباح الفقاهه* (تقریرات درس سید ابوالقاسم خویی)، قم: انتشارات وجدانی، چاپ اول.
- حائری، سید کاظم. (۱۳۷۹) «بررسی فقهی حق ابتکار»، *فقه اهل بیت* (فارسی)، شماره ۲۳.
- حسینی روحانی، سید محمد صادق. (۱۳۸۵ ق.) *المسائل المستحدثة*، قم: مکتبه محمدی.
- حلیمی، عمران. (۱۳۸۴) «مبانی فقهی حقوقی مالکیت معنوی از دیدگاه مذاهب اسلامی»، *مجله طلوع*، شماره ۱۶، ص ۶۱-۸۴.

- خامنه‌ای، سید علی، *احوجه الاستقنات*، قابل دسترسی به صورت آنلاین در: <http://www.leader.ir/tree/index.php?catid=11>
- خلاف، عبدالوهاب. (۱۹۷۸) *مصادر التشریح الاسلامی فی ما لا نصّ فیہ*، کویت: دار القلم.
- درینی، فتحی. (۱۴۰۱ ق) *حق الابتکار فی الفقه الاسلامی*، بیروت: موسسه الرساله، چاپ دوم.
- زحیلی، وهبه مصطفی. (۱۴۱۸) *اصول الفقه الاسلامی*، دمشق، بی‌نا.
- شبیری، محمد عثمان. (۱۴۱۹ ق) *المعاملات المالیه فی الفقه الاسلامی*، اردن: دار النفائس، چاپ دوم.
- صانعی، یوسف. (۱۳۸۸) *استقنات قضایی*، تهران: انتشارات پرتو خورشید، چاپ سوم.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۳ ق) *حاشیه مکاسب*، قم: دارالمصطفی لاحیاء التراث، چاپ اول.
- عاملی، شیخ حر. (بی‌تا) *وسائل الشیعه*، ابواب قصاص النفس، باب ۱، حدیث ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فاضل لنکرانی، محمد (بی‌تا). *جامع المسائل*، ج ۱ و ۲ قابل دسترسی به صورت آنلاین در: <http://www.lankarani.com/far/bok/view.php?ntx=037018#378>
- *فصلنامه رهنمون*. (۱۳۷۱) مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۲ و ۳، ص ۲۱۳-۲۰۷.
- قره‌داغی، علی محی‌الدین علی. (۱۴۱۲ ق) *بحوث فی فقه المعاملات للمالیة المعاصره*، بیروت: دارالبشاره، چاپ اول.
- محمد بیگی، علی اعظم. (۱۳۷۹) *بررسی نظام ملی حق مؤلف در حقوق ایران*، انتشارات روش.
- مطهری، احمد. (۱۴۰۵) *مستند تحریر الوسیله*، قم: چاپخانه خیام.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸) *نظری به اقتصاد اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر. *استقنات قابل وصول به صورت آنلاین در*: <http://www.makaremshirazi.org/persian/estefta/?it=818&mit>
- منتظری، حسینعلی. (۱۳۸۴) *رساله استقنات*، تهران: نشر سایه.
- نراقی، ملا احمد. (۱۴۰۸) *عوائد الایام*، عانده چهارم، قم: انتشارات بصیرتی.
- یزدانی، عباس. (۱۳۸۱) «حق مؤلف در اندیشه فقیهان معاصر امامیه»، *فصلنامه کتاب‌های اسلامی*، شماره ۹.
- یوسف‌وند، محمود. (۱۳۸۵) *مبانی حقوق مالکیت معنوی در فقه و قانون*، قم: نشر خرم.